

نخستین بار یک یهودی الاصل قبر سیدالشهدا را تخریب نمود!

۱۷ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۱۶

ابراهیم دیزج بنا به دستور متوکل قبر امام حسین (ع) را تخریب کرد چرا که هیچ یک از مسلمانان حاضر به تخریب قبر نبودند و این کار تنها بدست دیزج که یهودی الاصل بود انجام گرفت.

متوکل یازدهمین خلیفه عباسی به سال ۲۳۲ ق به خلافت رسید و در سال ۲۴۷ ق. در سن ۳۹ یا ۴۰ سالگی کشته شد. حاکمیت پانزده ساله متوکل اوضاع سختی برای شیعیان به وجود آورد. متوکل که زیارت قبر امام حسین (ع) در کربلا را عامل مهم برای ارتباط و تجمع و نیز توجه بیشتر شیعیان به خاندان پیامبر (ص) می‌دید، ابتدا با آن به مخالفت برخاست و فرمان تعقیب و دستگیری زائران قبر ایشان را صادر کرد. اما به این مقدار بسنده نکرد و دستور داد قبر امام و منازل اطراف آن را خراب و آثار قبر را از میان ببرند و برای محو قبر و بارگاه امام بر آن شخم زنند!

تخریب قبر سیدالشهدا (ع)

بر این اساس به دستور متوکل چهار بار یعنی در سال‌های ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷ و ۲۴۷ ق. قبر امام حسین (ع) ویران گردید. ابراهیم دیزج بنا به دستور متوکل قبر امام حسین (ع) را تخریب کرد چرا که هیچ یک از مسلمانان حاضر به تخریب قبر نبودند و این کار تنها بدست دیزج که یهودی الاصل بود انجام گرفت. چنانکه محمد بن مسلمه گوید که ابراهیم دیزج گفت که متوکل مرا به تخریب قبر حسین (ع) مأمور کرد و نامه به جعفر بن محمد بن عمار قاضی نوشت و او را به من ناظر مخفی قرار داد و من نامه را به وی دادم و مضمون نامه را به من خواند و به من دستور داد که مأموریت خود را انجام دهم.

دیزج می‌گوید رفتم آنچه جعفر گفته بود انجام داده و برگشتم، به وی گفتم آنچه دستور داده بودی به جا آوردم و لیکن چیزی نیافتم به من گفت: حتماً عمیق‌تر نکنده ای. گفتم: عمیق‌تر و چیزی نیافتم. قاضی به متوکل نوشت: ابراهیم قبر حسین (ع) را نبش کرد و چیزی نیافت و دستور دادم آب بر آنجا بست و با گاو زیر و رو کرد. ابوعلی عمار می‌گوید: این موضوع را ابراهیم دیزج به من نقل کرد و من از حقیقت واقعه پرسیدم به من گفت: با غلام‌های خصوصی خودم آمدم و قبر را نبش کردم یک حصیر تازه ای دیدم که پیکر مقدس حسین بن علی (ع) روی آن و همان لحظه بوی مشک مرا زد و من حصیر و جسم مقدس حسین را به همان حالت گذاشتم و دستور دادم خاک را به روی قبر ریختند و آب بر آن بستم و دستور دادم شخم کاری شود. گاوها ابداء قدم بر آنجا نگذاشتند و غلامان خود را سوگند دادم که صورت قضیه را نگویند و الا به قتل خواهند رسید.

قتل محبین امام حسین (ع)

با این حال رفتار متوکل نسبت به طرفداران امام حسین(ع) چندان مناسب نبود چنانکه نقل کرده‌اند، روزی متوکل از ابن سکیت شاعر و ادیب شیعی پرسید: از نظر تو دو فرزندم معتز و مؤید عزیزترند یا حسن و حسین فرزندان علی (ع)؟ ابن سکیت گفت: قنبر غلام علی (ع) از اینان و پدرشان، در نزد من به مراتب عزیزتر و محترم‌تر است. پس به دستور متوکل زبان او را از قفا بیرون کشیدند و بدن نیمه جان او را زیر پای اسبان انداختند. همچنین نسبت به زائران رفتار خشونت آمیزی داشت. چنانکه ابوالفرج اصفهانی گوید: وی در یک شبی از مغنی‌های شهر، کنیزی در خواست کرد او را شراب دهد و ساز نواز کند. سوء تصادف مغنیه صاحب کنیز، غائب بود به زیارت نیمه شعبان به کربلا رفته بود. پس از مراجعت یکی از کنیزان آوازنده خود را پیش متوکل فرستاد. متوکل پرسید آن روز که شما را خواستم کجا بودید؟ گفت: با خانم خود به زیارت حج رفته بودیم. گفت: حالا که ماه شعبان است موسم حج نیست. گفت: به زیارت قبر حسین (ع). پس از شنیدن این سخن، متوکل چنان ناراحت گردید که بلافاصله دستور داد صاحب آن را احضار کنند و تمامی اموال او را ضبط نمودند و خودش را به زندان انداخت.

ماجرای زید مجنون

او فردی عالم، فاضل، ادیب و از دوستداران اهل بیت (ع) و در مصر اقامت داشت. هنگامی که خبر تخریب بارگاه امام حسین (ع) توسط متوکل عباسی را شنید، بسیار ناراحت و حزن شدیدی به وی دست داد به طوری که حادثه کربلا را پیش چشمش تازه کرد. از این رو مصر را با پای پیاده به قصد زیارت تربت حسین (ع) ترک کرد. در کوفه با بهلول عالم ملاقات نمود و به اتفاق هم به سال ۲۳۷ ق. به قصد زیارت قبر امام حسین (ع) از کوفه خارج شدند. در کربلا او متوجه شد آبی که کشاورزی بر قبر امام حسین (ع) بسته هرگز قطره ای به طرف قبر نمی‌رود. کشاورزی که آنجا بود به زید گفت من بسیار وحشت دارم که تو را بکشند. آنگاه زید گریه کرد و کشاورز را از علت نرفتن آب به قبر سیدالشهدا (ع) آگاه کرد.

پس کشاورز ایمان آورد و تصمیم داشت حقایق را به متوکل بگوید ولی به دست وی کشته شد. زید جنازه کشاورز را دفن کرد و برایش عزاداری کرد. زید همان روز متوجه تشییع جنازه ریحانه کنیز متوکل شد که با شکوه برگزار گردید و قبه ای عالی جهت وی برپا کردند. او که این موضوع را مشاهده کرد خاک بر سر خود ریخت و با ناله چنین گفت: قبر پسر پیغمبر را ویران می‌کنند. در حالی که برای یک کنیز زنازاده قبه و بارگاه بنا می‌کنند. آنقدر می‌گریست که مردم به حال او رقت می‌کردند. آنگاه شعری نوشت و به یکی از درباریان داد:

أیحرث بالطف قبر الحسین و یعمر قبر بنی الزانیه...

همین که اشعار پیش متوکل خوانده شد وی به شدت غضبناک شد و دستور قتل او را صادر کرد. اما شب هنگام حضرت علی

(ع) را در خواب دید که به او دستور آزادی زید را داد. متوکل زید را آزاد و خلعتی پسندیده به او داد. متوکل گفت آنچه می‌خواهی دریغ نخواهم کرد. زید گفت: من از تو فقط تعمیر قبر حسین (ع) و عدم تعرض به زوار او را می‌خواهم. متوکل نیز چنین کرد. زید پس از آن در شهرها می‌گشت و اعلان می‌کرد که هر کس اراده زیارت سیدالشهدا (ع) را دارد بدون وحشت برود و بعد از این ده سال قبر امام حسین (ع) از اعمال شنیع متوکل محفوظ ماند و مردم بدون هراس برای زیارت به کربلا می‌رفتند.

منابع:

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ۴۰۷-۴۰۴.

۲- مسعودی، مروج الذهب، ج ۴: ۵۱.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴: ۷۲.

۴- ابن عبری، تاریخ مختصر الدول: ۱۴۲-۱۴۳.

۵- عمرانی، الأنباء فی تاریخ الخلفاء: ۸۰.

۶- سیوطی، تاریخ الخلفاء: ۳۴۸.

۷- مدرس بستان آبادی: کربلا شهر حسین: ۲۱۲-۲۱۰.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۰۳۱/نمود-تخریب-سیدالشهدا-قبر-الاصلا-یهودی-یک-بار-نخستین>